خارج اصول

جلسه64 \* دوشنبه 23/ 10/ 98

موضوع: مقدمه ی واجب

بحث مقدّمه ی واجب تمام شد. اما این بحث شامل مقدّمه ی مستحبّ، حرام و مکروه نیز می شود.

اما مقدّمه ی مستحبّ

حکم مقدّمه ی مستحبّ همان حکم مقدّمه ی واجب است زیرا هر دو طلبی هستند نهایةً طلب وجوب، اشدّ است و طلب مستحبّ، اضعف.

اما مقدّمه ی حرام

محقّق نائینی می فرماید: مقدّمه ی حرام بر سه قسم است:

اوّل: بین مقدّمه و ذی المقدّمه واسطه ای نیست و بمجرّد اتیان مقدّمه، ذی المقدّمه قهراً محقّق می شود.

در اینصورت مقدّمه، حرمت نفسی دارد و ذی المقدّمه حرمت ندارد زیرا غیر مقدور است.

دوّم: : بین مقدّمه و ذی المقدّمه واسطه وجود دارد و مقدّمه بقصد توصّل به ذی المقدّمه انجام می شود.

این مقدّمه نیز حرام است.

سوّم: همان مورد دوّم بدون قصد توصّل به ذی المقدّمه.

این مقدّمه حرام نیست؛

بررسی این اقسام

اما قسم اوّل

این فرمایش محقّق نائینی با مبنای خود ایشان سازگار نیست زیرا ایشان در باب قدرت می فرماید: هر دو نوع قدرت، مشروع و معقول است هم قدرت بی واسطه و هم قدرت با واسطه؛

در قسم اوّل از مقدمه ی حرام، قدرت مع الواسطه وجود دارد؛ مقدور است لکن به واسطه ی قدرت بر مقدّمه؛ پس ذی المقدّمه حرام است نه مقدّمه.

اما قسم دوّم

در این قسم نیز حرمت مقدّمه وجهی ندارد-چه در باب مقدّمه ی واجب، قائل به ملازمه و وجوب مقدّمه باشیم و چه قائل نباشیم-زیرا ملاک در باب مقدّمه، توقّف ذی المقدّمه بر آن است؛ در قسم اوّل، اتیان مقدّمه مستلزم تحقّق ذی المقدّمه هست –همانطور که در باب مقدّمه ی واجب نیز ترک مقدّمه مستلزم ترک واجب هست- ولی در اینجا اتیان مقدّمه مستلزم اتیان ذی المقدّمه نیست؛ ترک مقدّمه نیز مستلزم ترک ذی المقدّمه نیست(البته این یک مطلب عقلی است و آن اینکه عدم، متوقّف بر چیزی نیست و در عدمیّات توقّف معنی ندارد) لذا حرام نیست؛ حرمت نفسی که ندارد، مستلزم ذی المقدّمه ی حرام هم نیست.

\*\*\*\*\*\*\*

خلاصه ی مبحث مقدّمه ی واجب

1.مقدّمه ی واجب، عبارة أخرای «ما لایتمّ الواجب الّا به» می باشد که در کلام شیخ مفید آمده است.

2.کلمه ی «مقدّمه» گر چه از باب تفعیل است ولی معنای باب تفعّل دارد.

3.عنوان مقدّمه از لوازم بحث مادّه و صیغه ی امر است لذا در باب اوامر آمده است.

4.بحث از مقدّمه، بحث از وجود ملازمه بین دو وجوب شرعی است

5.بحث ملازمه، یک بحث عقلی است.

6.بحث ملازمه، مختصّ به وجوب نیست بلکه شامل مستحبّ، حرام و مکروه نیز می باشد.

7.بحث ملازمه یک بحث اصولی است نه فقهی.

8.طولانی این بحث، بخاطر ثمرات عملی است که طرداً للباب ذکر می شود.

9.تقسیم مقدّمه به داخلیّه و خارجیّه؛ محل بحث فقط مقدّمه ی خارجیّه است

10.تقسیم مقدّمه به عقلیّه و شرعیّه و عادیّه.

11.تقسیم مقدّمه به وجوب، وجود، صحّت و علم.

12.تقسیم مقدّمه به متقدّم و مقارن و متأخّر.

13.تقسیم واجب به مطلق و مشروط و نفسی و غیری.

14.مقدّمات مفوّته.

15.اصل در دوران امر بین نفسی و غیری، نفسیّت است.

16.حلّ اشکالات طهارات ثلاث.

17.بیان اقوال در وجوب مقدّمه ی موصله و قصد توصّل و سببیّت و امثال ذلک.

18.عدم وجود ملازمه بین وجوب مقدّمه و وجوب ذی المقدّمه شرعاً.

19. ثمره ی عملی در باب مقدّمه مختصّ به قول به وجوب مقدّمه ی موصله نیست.

20.اصل لفظی و عملی در باب مقدّمه وجود ندارد نه در بحث اصولی و نه در بحث فقهی.

21.بحث مقدّمه شامل مقدّمه ی حرام، واجب، مکروه و مستحبّ می شود.

(پایان)